

چه باک از موج بحر

در خیر است از سزور کائنات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم / اشفع معاذ نبی کریم اقسیم جسیم نسیم و سیم / چه غم دیوار است که دارد چون تو پیشین / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشیشان / بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله / احسنت جمیع صحاله صلوا علیه و آله / هر گاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار دست آید به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بر دارد / ایزد تعالی در وی نظر نکند بازش بخواند / باز اعراض کند دیگر بارش به تضرع و زاری بخواند / حق سبحانه و تعالی فرماید یا ملائکتی قد استحیت من عبدی و لیس له رب غیری فقد غفرت له دعوتش اجابت کردم و حاجتش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم / اگر مبین و لطف خواندند / گارا گنه بنده کردست و او شرمسار / گلستان سعدی

شلیک از فاصله نزدیک

از مهر بانی مردم سوء استفاده کنید



سیدعبالجماله موسوی

در ایام نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری پیشین با آقای عباس عسدی یک برنامه تصویری ضبط کردم. آقای عسدی در آن برنامه از بی مخاطبی تلویزیون سخن گفت و اینکه چرا هیچ کس به فکر شأن و آبروی تلویزیون نیست. گفتم: فکری می کنید با توجه به وضعیتی که الان تلویزیون دارد اصلا می توان فکری برای بهبود اوضاع کرد؟ و ایشان گفت: چرا نمی شود، کافی است شبیه یکی دو تا از همین برنامه هایی که شما الان دارید ضبط می کنید از تلویزیون پخش شود آن وقت می بینید مردم چطور از ماهواره ها روی بر می گردانند و پای تلویزیون می نشینند. حقیقتش را بخواهید اگر چه در آن جا با آقای عسدی مخالفتی نکردم منتهی در دل گفتم ماجرا به این سادگی ها هم که آقای عسدی می گوید نیست مگر می شود با یکی دو برنامه حیثیت از دست رفتن تلویزیون را به این رسانه بر گرداند. اما حالا می خواهم بگویم با یکی دو اتفاقی که اخیرا در تلویزیون رخ داده پذیرفتن حرف آقای عسدی برایم راحت تر است. حضور فیگو در برنامه نود و حضور محمد چوچانی در برنامه سخنان محک خوبی بود برای جذب مخاطب خاص و عام. در هر دو برنامه هم نه از معیارهای انقلابی عدول کرده و نه صدا و سیما کار خارق العاده ای انجام داد. فقط مدیران صدا و سیما کمی از چار چوب های خشک و رسمی و عبوس خود فاصله گرفتند و به قدر ارزنی جسارت ورزیدند و راه را برای برنامه سازان خلاف آمد عادت باز گذاشتند. برنامه اول میلیون ها عاشق و سینه چاک هوادار فوتبال را پای برنامه تلویزیونی نشانند و برنامه دوم ششور و شسوفی در جامعه روزنامه نگاری برانگیخت تا اگر هم برنامه را از تلویزیون ندیده اند از شبکه های اینترنتی ببینند و در بارش حرف بزنند. به همین سادگی؛ به همین راحتی. قبلا هم نوشته ام این مردم حافظه تاریخی شان پر خلاف گمان خیلی از فرادستان اتفاقا خیلی هم خوب کار می کند. فقط مهربانند و بخشاینده پس حداقل از این ویژگی نهایت سوء استفاده را ببرید و با آنها کمی مهربان تر باشید.

شوکران نوش

مسیحان نفسی می آید

مژده ای دل که مسیحان نفسی می آید که ز انقاس خوشش بوی کسی می آید از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش زده ام فاللی و فریادرسی می آید ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس موسی آنجا به امید قبسی می آید حافظ

رسانه باز

جدال خط قرمزها



جلال سمیعی

۱- تاثیر گذارها یا افراد و گروه های مرجع، همیشه در طول تاریخ ارتباطات آدمها، مهم بوده اند؛ مقطعی در تاریخ هر ملت یا گروهی هست که چشم به دهان و انتخاب همان تاثیر گذارها دوخته اند و راه او را برگزیده اند. ۲- تاثیر گذارها می توانند سرنوشت یک انتخابات مهم را تغییر دهند؛ با درست سازی معایب یا مزایای یک محصول یا برند، دیدگاه شان را به افکار عمومی یا دست کم تعداد زیادی از مخاطبان شان القا کنند؛ آنها دست کم این قدرت را دارند که به هر شکل و با هر نتیجه ای، باعث دیده شدن یک خبر یا برند بشوند. ۳- در یکی دو سال اخیر، اینستاگرام و تلگرام در ایران هر روز مهم تر شده اند؛ فعالیت های تبلیغاتی آدم های مشهور یا آنهایی که در همین رسانه ها پر مخاطب و پر بیننده شده اند، دایما در حال افزایش است. نسل جدیدی از چهره ها یا سلبریتی ها در کنار آنها که شهرت شان را به عرصه مجازی هم آورده اند، با تبلیغات تجاری و فرهنگی و سیاسی، به دیده شدن برنده های جدید یا حرکت های اجتماعی کمک می کنند. از جمله، یک برند نوپای خدمات بیمه، به دلیل انتشار دو کلیپ طنز آمیز با همکاری چهره های اینستاگرامی، گرفتار تفسیرها و انتقاد های بخشی از مخاطبان شد؛ مخاطبانی که از کار بران شبکه های اجتماعی تانها دهای قانونی را در می گیرند و باعث وعده های پر خورده و تاین لحظه، عذر خواهی رسمی آن برند شده است. ۴- به نظر می رسد چالش های محتوا و خط قرمزهایی که میان رسانه های رسمی و غیر رسمی ایران شناورند، وارد مرحله جدیدی شده اند؛ جدال تحکیم خط قرمزهای حوزه رسمی در رسانه های غیر رسمی، جدی تر شده است؛ ما هم مثل شما در این چالش، منتظر نتایج این تجربه های تازه هستیم. آیا چار چوب های بعضا نانوشته ام یا پر رنگ انتشار پیام و محتوا در فضای مجازی و غیر رسمی ارتباطات هم تثبیت خواهند شد؟ این بحث را ادامه خواهیم داد.

تخته سیاه

به تعطیلات بروید و اخبار را رها کنید

دیروز هوای تهران آلوده و آفتابی بود و امروز قرار است آلوده و ابری باشد. اما پیش بینی های گویند که با تعطیلی فردا و نیمه تعطیلی پس فردا، حجم رفت و آمد در پایتخت کمتر می شود و احوال نفس شهر هم بهتر. روز سه شنبه بیشترین درجه هوا ۱۲ درجه است و کمترین هم ۵ درجه سانتیگراد. اعداد و ارقامی که تا آخر هفته تغییر چندانی ندارند و از ثبات نسبی دمای هوای می گوید. در تعطیلات پیش رو نرخ ارز هم احتمالا به روند صعودی خود ادامه می دهد و بازار سکه و طلا هم که فعلا در حال رشد است. بنابراین تاز روز شنبه از فرصت خوب تعطیلات استفاده کنید و دغدغه ها را برای شروع هفته بگذارید.

تیر مصور | تورم محسوس نظریفیان



info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: عباس حضرتی
- جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست گذاری: بهروز بهزادی
- سردبیر: سیدعلی میرفتح
- معاون اجرایی: حجت طهماسبی
- مشاور مدیرمسئول: محمد حضرتی
- رئیس سازمان آگهی ها: علی حضرتی
- نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
- تلفن خانه: ۶۶۱۳۴۰۲۵ - ۶۶۱۳۴۰۲۴
- شماره: ۶۶۱۳۴۰۲۱ - ۶۶۱۳۴۰۲۰
- توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ: نشر روز تاب ■ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
- اذان ظهر: ۱۱:۵۵ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۱ | اذان مغرب: ۱۷:۱۱ | اذان صبح فردا: ۵:۳۱ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۰

نگاه آخر

وحدت؛ ترازوی حق و باطل



سیده محمد بهشتی

کشور ما از لحاظ تنوع فرهنگی، یعنی تنوع ادیان، مذاهب، روایات، مراسم، مناسبات، پوشاک، شیوه ها و... از فراوانی فوق العاده زیادی برخوردار است. از یک سو اگر ماهیت این تنوع را خوب بشناسیم بی شک باید آن را به مثابه ثروتی بزرگ به جا آوریم چرا که این تنوع در واقع چیزی نیست جز تنوع مزیت هایی که اهل هر گوشه از سرزمین مان را در آباد ساختن خانه و وطن خود توانا ساخته است. این وضعیت به مثال خاندانی بزرگ با اعضای پر شمار است که در حوزه ها و مسائل گوناگون مهارت دارند و این تنوع ضامن موفقیت آنها شده است. اما از سوی دیگر به همان ترتیب که مواد مغذی بیشتر مستعد فاسد شدن هستند، چنین کشوری نیز به دلیل تنوع زیاد بهانه های بسیاری برای اختلاف و تقار دارد؛ و اگر بر اثر بحران یا سوء تدبیر بهانه ها به استدلال تبدیل شود و تقار جاری وفاق را بگیرد، اتفاقا این طور تقارهای خانوادگی تلخ تر و دردناک تر هم از کار در می آیند. تنوع زیاد در شرایط تقار ممکن است به فروپاشی های عظیم و خسارت بار منجر شود و التیام آن شاید به گذشت نسل های بسیار نیاز یابد. برای سرزمینی همچو ایران هیچ چیز بهتر از وحدت نیست و هیچ عداوتی بالاتر از صدمه زدن به این عمود جامعه وجود ندارد. پس هر کس که از روی آگاهی یا نا آگاهی، اولویت وفاق و یکپارچگی را بر دیگر مسائل درک نکند، خواه ناخواه زمینه را برای تعمیق تقار آماده ساخته است. حتی اگر در صورت ظاهر هم مدام صحبت از وحدت ادیان، وحدت مذاهب، وحدت ترک و فارس و لر و... کند بدترین نوع صدمه ای که به وحدت زده می شود را کسانی باعث می شوند که ذیل عنوان کلی تفکیک حق از باطل، خود را حق فرض کرده و هر کس مثل شان نیست باطل می انگارند. تفاوتی هم نمی کند این حق چه باشد و به چه ساحتی نظر داشته باشد؛ از نازل ترین و زمینی ترین مرتبه گرفته تا متعالی ترین و معنوی ترین آن. در حقیقت اگر مهم ترین رکن منافع ملی را وحدت قرار دهیم آنگاه حق یعنی هماهنگی با وحدت ملی و به تبع آن هر کس در مسیر آسیب به وفاق حرکت کند راه باطل را در پیش گرفته است. پس آنان که نگرانند تا اعمال شان موجب شود در جبهه باطل قرار گیرند، بدانند محک و ترازوی بین و آشکار در میان است و آن تقویت وحدت ملی است.

گاهی گویز

باز خوانی سه دقیقه طلایی که همه آنچه لازم است را روایت می کند

جادوی شعر و موسیقی برای والاپیام دار

موسیقی و صدای خواننده کشف می کنی و در آستانه چهل سالگی اثری قرار می گیری که همچنان تاثیر گذار است، هیچ وقت کهنه نمی شود، از دست نمی رود و فراموش شدنی هم نیست. از آن جمع سازنده اثر، دو نفر در خاک هستند، اما مرگ و نیستی هم باعث نشده تا موسیقی در آرشو خاک بخورد و شنیده نشود و به هرمانسیتی، حتی رسانه ملی با همه قواعد و خط قرمزها نمی توانند از این اثر بگذرد و نگاهانی آن را پخش می کند. چهل سال گذشته و در این سالها اما کدام یک از آثار هنری به فراگیری، تاثیر گذاری و ماندگاری قطعه «وحدت» رسیده اند؟! از این سه دقیقه جادویی چیست؟! چطور می شود با داشتن چنین الگو و مرجعی، همچنان در خانه های اولیه فرهنگ سازی به نامیم و اکثریت آثار هنری تولید شده از این جنس در آرشو خاک بخورند و منتظر بمانند تا در مناسبت های مذهبی یا یک گردگیری برای مخاطب کم حوصله و پرسدند کذاکتور برنامه، در فهرست پخش قرار بگیرند؟! و سوال های بسیار دیگر... سوال هایی که باید پرسیده شوند تا شاید با پیدا شدن پاسخ مناسب مسیر اشتباهی که این همه سال رقتیم را اصلاح کنیم و فرصت ها را بیش از این از دست ندهیم و حوصله ای برای شنیدن و دیدن آثار تازه باقی بگذاریم.

هشتگ روز

قوانینی که بیشتر ایرانی ها یک بار هم آن را خوانده اند

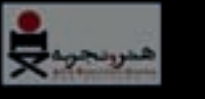
سال ۱۳۵۸ برای اولین بار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۱۷۷ اصل از سوی مجلس خبرگان تصویب شد و همان سال به همه پرسى گذاشته شد. نتیجه همه پرسى با رای مثبت اعلام شد و به این ترتیب قانون اساسی بخشی از قوانین زندگی مردم شد. امسال و در سالروز تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۵۸، به لطف شبکه اجتماعی توئیتر، بستری برای کاربران این رسانه فراهم شد تا با استفاده از هشتگ «قانون_اساسی» عقایدشان را درباره تمام موضوعاتی که در زیر شاخه «قانون اساسی» می گنجد، مطرح کنند و نسبت به چند و چون قانون اساسی در جامعه امروز واکنش نشان بدهند؛ کاربری توئیت کرده: «ماه آذر همیشه مرا یاد روز قانون اساسی می اندازد. قوانینی که به یقین می توان گفت بیشتر ایرانی ها یک بار هم آن را خوانده اند. قوانینی که به خاطرش خونها داده شد و مانند سایر موارد در این کشور با آن سلیقه ای و مصلحتی برخورد

شد. کاربرد دیگری نوشته: «در حواشی روز قانون اساسی یادی هم از اصل چهلم این قانون کنیم و کاش همه دست کم به این یکی عمل می کردیم؛ اینکه هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». خبرگزاری ایرنا توئیت کرده: «شورای نگهبان طرح تقویت بسیج را مغایر با قانون اساسی و از وظایف اختیارات رهبری دانست. در نهایت علی شاکوری را، سیاستمدار اصلاح طلب و دبیر کل حزب اتحاد ملت هم توئیت کرده: «به نظر می رسد احمدی نژاد اخیرا فرصت کرده قانون اساسی و قانون آیین دادرسی را بخواند که با حقوق ملت، مفاهیم حقوقی و بایدهای قضایی آشنا شده است. حرف های جدی جدیدی در مورد موضوعات قدیمی می زند. احتمالا به آرشو ۲۰ سال گذشته مطبوعات و رسانه های اصلاح طلب هم مراجعه داشته است.»



یک قناری یک کلاغ

نویسنده و کارگردان: اصغر عبداللهی
با بازی: هنگامه قاضیانی، حبیب رضایی
تهیه کننده: علی حضرتی



info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

در همین حوالی

در حوالی سالمرگ استاد کاظم معتمدنژاد

طرفدار آزادی بیان



مجید رضاییان

آزادی بیان مطبوعاتی در دنیا دو مکتب دارد؛ مکتب امریکایی و فرانسوی. مکتب امریکایی بسر این باور است که اگر بین بقای رسانه و آزادی بیان تعارض پیش آمد، به بقای رسانه تن دهید و شرایط که فراهم شود، به آزادی بیان هم عمل کنید اما بقای رسانه را از بین نبرید. اما مکتب فرانسوی می گوید اگر تعارضی بین بقای رسانه و آزادی بیان پیش آمد، حتما آزادی بیان را انتخاب کنید، حتی اگر این انتخاب به قیمت تعطیلی رسانه تمام شود. نگاهی به گفته های دکتر کاظم معتمدنژاد نشان می دهد که ایشان در دسته طرفداران مکتب فرانسوی بودند و معتقد به اینکه اگر تعارضی بین آزادی بیان و بقای رسانه پیش آمد، باید آزادی بیان را انتخاب کرد. گواه این اعتقاد استاد معتمدنژاد را در مصاحبه هایی که با ایشان شده به خوبی می توان دید. همچنین وقتی در روزهای بعد از انقلاب، برای انتشار روزنامه ایران، که آن روزها نخستین روزنامه دولتی در دست انتشار بود، با استاد معتمدنژاد صحبت می کردیم تاکید زیادی داشتند که مطالبات مردم را در چار چوبی که برخواستند از برآیند افکار عمومی است دنبال کنید. چرا که یکی از وجوه آزادی بیان در حقیقت اعتنای جدی به افکار عمومی مردم است و نه لزوما سیاست رسانه. اگر سه ضلع مثلث ارزش رویداد، نیاز مخاطب و سیاست رسانه را در کار روزنامه نگاری در نظر بگیریم، در حقیقت می بینیم که یکی از اضلاع موثر همان نگاه مخاطب است که در بقای رسانه تاثیر بسیار زیادی دارد و اگر روزنامه ای با در نظر گرفتن نیاز مخاطب به صورت حرفه ای منتشر شود، در حقیقت بقای رسانه هم تضمین می شود. از موضوعات مهم دیگر آن است که کمتر معتمدنژاد تاکید زیادی روی آن داشتند و در واقع به همان دلیل هم با عنوان پدر علم ارتباطات و ژورنالیسم ایران از ایشان یاد می شود، نقش ایشان در تدریس آکادمیک علوم ارتباطات و روزنامه نگاری و در حقیقت اهمیت مهارت ها و آموزش ها در کار رسانه ها است. به خاطر می آورم که سال ۸۰ در مصاحبه با یکی از رسانه ها اینچنان موضوعی را با عنوان «استاندارد سازی رسانه ها در ایران» مطرح کردم که استاد معتمدنژاد، فرقی، فندی، شکرخواه و قاضی زاده هم از جمله کسانی بودند که درباره این موضوع به اظهار نظر برداختند. حقیقت این است که موضوع مهارت ها و آموزش ها باید ملایم باشد که رسانه های ما به واسطه آنها استاندارد شوند. در واقع یکی از شاخص های بسیار دقیق برای رسانه ها موضوع مهارت ها، آموزش ها و توانایی های تکنیکی روزنامه نگارها است. یعنی هر کسی نمی تواند در این زمینه مشغول به کار شود و باید حتما این توانایی را داشته باشد که مثلث مربوطه را به هم جفت کند. به عبارت دیگر فردی باشد که بتواند ارزش رویداد را با نیاز مخاطب و سیاست رسانه با هم بدوزد چرا که این سه ضلع دو گانه ها و تقارهایی با هم دارند که منطبق کردن آنها با هم کار بسیار پیچیده ای است. این کار از عهده کسانی بر می آید که توانایی حرفه ای در هر رشته ای داشته باشند. اگر در روزنامه ها فردی خبرنگار خوبی است، لزوما به این معنا نیست که گزارشگر خوبی هم هست یا اگر در یک خبرگزاری فردی تکنیک مصاحبه گرفتن بسیار خوبی دارد و می تواند مصاحبه های خبری خوبی آماده کند، لزوما به این معنا نیست که گزارش نویس یا مقاله نویس خوبی هم باشد. اینها رده های مختلفی در رسانه ها دارد که باید از هم تفکیک شوند. مساله بعدی که امروزه در دنیا اهمیت زیادی دارد، کارشناس بودن روزنامه نگار است. یعنی دنیا به سمت روزنامه نگاری تحلیلی رفته و این نوع نگاه در روزنامه نگاری ایران هم در حال توسعه است. مخاطب امروز در هر امری به دنبال چگونگی و چرایی است و گر نه دانستن را که می دانند. در حقیقت چگونگی رویداد را نمی دانند، چرایی اتفاق را نمی دانند. یک راهکار مفید این است که ما هم مثل تمام دنیا پیوندی بین دانشکده ها و محافل آکادمیک و پژوهشی در عرصه مطالعات ژورنالیسم با رسانه ها برقرار کنیم چرا که بسیاری از تحصیل کرده های آکادمیک رشته ارتباطات وقتی تصمیم می گیرند در رسانه ای مشغول به کار شوند، نمی توانند از آموخته های خود استفاده کنند و آنها را به کار بگیرند. در حقیقت باید روال کار به این صورت باشد که رسانه ها اسپانسر دانشکده ها باشند و در این ترتیب دانشجویان ضمن تحصیل، در رسانه ها هم به صورت همزمان آموزش ببینند که وقتی تحصیلاتشان تمام شد به صورت کاملا حرفه ای جذب رسانه ها شوند.

*استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم پی نوشت: این یادداشت به صورت شفاهی تنظیم شده است